

دلایل غیبت امام زمان علیه السلام

تاریخ پخش: ۱۳۹۰ / ۴ / ۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی انطقنی بالهدی و الهمنی بالتقوی»

بحث را بینندگان عزیز در آستانه‌ی نیمه شعبان سال نود می‌بینند. خوب نیمه شعبان درباره‌اش احتمال شب قدر هم داده شده، حالا هم که ایام نیمه شعبان به تابستان است و شب‌ها کوتاه است، می‌ارزد که انسان سعی کند، احیا بگیرد. چون حدیث داریم اگر کسی شب نیمه شعبان نخوابد، احیا بگیرد، آن روزی که همه دلها می‌میرد دل او زنده است. یعنی آن روزی که همه مردم قاطی می‌کنند، این قاطی نمی‌کند می‌فهمد وظیفه‌اش چیست؟ راجع به چرا امام زمان غایب، است من دیشب این ورقه را نوشتم تا نه دلیل برای غیبت می‌خواهم خدمت شما بگویم، با یک مقدمه، ده مطلب می‌شود. ده تا نکته برای شما می‌گویم.

۱ - سابقه‌ی غیبت در ادیان پیشین:

اول این که غیبت سابقه دارد. مخصوص حضرت مهدی علیه السلام نیست. خداوند با موسی قرار گذاشت، سی روز کوه طور بیاید. «وَ وَاَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً» (اعراف/ ۱۴۲) بعد سر سی روز ده روز اضافه شد. «وَ اَتَمَمْنَا بِعَشْرِ» یوسف در زندان بود و پیغمبر بود، و از مردم غایب بود و آنهایی هم که با او بودند، او را نمی‌شناختند.

یونس از مردم قهر کرد، و فکر کرد دیگر ما بر او تنگ نمی‌گیریم. مردم را رها کرد و رفت. یک مدتی یونس هم غایب شد. امام کاظم ساها در زندان بود. و از چشم مردم غایب بود. امام دهم و یازدهم که می‌گویند عسکرین، اینها خانه‌شان در پادگان بود، در دسترس مردم نبودند. بنابراین مسأله غیبت یک چیزی است که گویا خود امامان ما هم از امام رضا به بعد برخوردارشان طوری بود که مردم را برای زندگی دوران غیبت آماده می‌کردند. پس این سابقه غیبت. غیبت مخصوص امام زمان نیست. انبیای دیگر و اولیای دیگر خدا هم بوده است.

دلیل غیبت چیست؟

۲ - غیبت امام، بستر آزمایش مردم:

۱ - آزمایش مردم، خود پدر و مادر گاهی وقت‌ها خودشان را پنهان می‌کنند ببینند بچه چه می‌گوید؟ امام حسن کوچولو بود مسجد می‌آمد. حرف‌های پدرش را گوش می‌داد، برای مادرش می‌گفت. یک روز امیرالمؤمنین علیه السلام می‌خواست ببیند امام حسن چه طوری حرف‌ها را گرفته و چطور به مادر منتقل می‌کند. رفت یک کنار خودش را پنهان کرد. پشت پرده‌ای گوش داد ببیند پسرش حرف‌هایی را که در مسجد شنیده چطور نقل می‌کند. امام حسن یک خرده صحبت کرد، گفت: نمی‌دانم چرا امروز زبانم روان نیست. به نظرم کسی پشت پرده است. یعنی اینکه گاهی وقت‌ها پدر و مادر خودشان را پنهان می‌کنند ببینند که دور از چشم پدر بچه چه می‌کند. حالا گاهی رشد است خوب عمل می‌کند. قرآن هم می‌گوید که مال یتیم را به یتیم ندهید، اگر دیدید رشد کرده به او بدهید. «فَإِنْ أَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشِدًا» (نساء/ ۶) «آنستم» آیه قرآن است. «مِنْهُمْ رُشِدًا» ممکن است ۱۵ سالش شده، اما باز هم پولش بدهی حرام کند. یعنی بلوغ عبادی هست، ولی بلوغ اقتصادی نیست. ما چهار رقم بلوغ داریم. بلوغ عبادی، دختر نه ساله، پسر ۱۵ ساله. که گاهی هم جلوتر می‌افتند. بلوغ عبادی، بلوغ اقتصادی، ممکن است کسی ۲۵ سالش است، نمی‌شود پول دستش داد. یک کسی می‌گفت: یک پسر دارم نابغه است. گفت: چطور؟ گفت: ۱۸ سالش است تازه به پدرش می‌گوید: مامان! حالا بعضی وقت‌ها ۱۵ سالش است ولی...

پیرمردی مرد. در فاتحه‌اش واعظ روضه‌ی علی اصغر خواند. گفتند: چرا؟ گفت: بابای تو پیش من همیشه کودک بود. قبرستانی بود سنگ قبرها را براساس اثر می‌نوشتند. مثلاً می‌نوشتند هفت ساله، چهار ساله فکر کردم قبرستان بچه‌هاست. گفتم: اینها همه بچه هستند. گفت: نه! منتهی ما هم حساب نمی‌کنیم سنش چقدر است. حساب می‌کردیم چقدر از عمرش استفاده کرده است. به مقدار بهره‌وری‌اش، چون گاهی وقت‌ها سیب بزرگ است، آب ندارد. گاهی ممکن است میوه کوچک است، پر آب باشد.

آزمایش مردم، حضرت موسی سی روزش که چهل روز شد، در این ده روز مردم آزمایش بدی دادند. یک هنرمندی، قرآن راجع به هنر هم نظر مثبت دارد، هم منفی. هنر منفی این است که می‌خواهم بگویم. سامری یک مجسمه ساز هنرمند بود. طلاها را گرفت، از طلاها یک گوساله درست کرد، ساخت گوساله طوری بود که هوا که به آن می‌خورد، صدا می‌داد. مثل این سوت‌ها هست در زمین ورزش. فشار هوا که در آن می‌آید، صدا می‌دهد. گفت: «هَذَا إِلَهُكُمْ» (طه/ ۸۸) سامری گفت: خدا همین است. وقتی حضرت موسی

برگشت دید که مردم در دوران غیبت کج شدند. «وَ أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ» (اعراف/ ۱۵۰) زلف‌های برادرش حضرت هارون را گرفت و کشید و گفت: چرا گذاشتی، گفت: والله، «إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي» من رفتم جلوی‌ش را بگیرم، دیدم که اینها من را به استضعاف کشیدند و به حرف من گوش ندادند.

۳ - تفرقه در جامعه، از نشانه‌های شرک:

می‌خواستم برخورد انقلابی کنم، ترسیدم بگویی که تفرقه شد. من فهمیدم کج می‌روند، ولی به خاطر حفظ وحدت حرف نزد. ترسیدم برگردی بگویی، «فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (طه/ ۹۴) بین بنی اسرائیل، «فَرَّقْتَ» تفرقه انداختی. شما می‌دانید تفرقه شرک است. ما شرک را فقط بت پرستی می‌دانیم. قرآن یک آیه دارد می‌گوید: تفرقه از شرک است. آیه‌اش این است. «لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (روم/ ۳۱) بعد می‌گوید: «مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ» (روم/ ۳۲) خیلی قشنگ است. «لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ» این شرک است.

هرکس در دین یک بدعتی به وجود بیاورد. یک چیزی را بگوید که ریشه‌اش در قرآن و روایات نیست، این ایجاد تفرقه می‌کند. مثلاً بگوید من با امام زمان رابطه دارم. به چه دلیل قرآن؟ به چه دلیل عقل؟ همیشه هم یک مشت احمق هستند که دنبال این افراد می‌گردند. قرآن می‌گوید: «لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» از مشرکین نباشید، مشرک را نمی‌گوید فقط خورشید پرست است. «مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ» (روم/ ۳۲) هرکس در دین تفرقه به وجود بیاورد، به همین خاطر می‌گویند: اگر یک جایی نماز جماعت است، یک کسی می‌آید کنار مسجد فرادی نماز می‌خواند، نماز او گیر دارد. چون آن نماز فرادی یعنی چه؟ یعنی آقا من تو را قبول ندارم. یعنی امت اسلامی من شما را قبول ندارم.

در غیبت مردم آزمایش می‌شوند. حدیث داریم اگر خواستی با کسی رفیق شوی، سه بار او را عصبانی کن. اگر سه بار عصبانی شد فحش نداد، حالا با او رفیق شو. یعنی در عصبانیت جوهرها بیرون می‌آید. خیلی از افراد، در سفر خودشان را لو می‌دهند. در سفر خودشان را لو می‌دهند. تمام شیرینی‌ها و تلخی‌ها ابزار آزمایش است. تمام شیرینی‌ها و تلخی‌ها ابزار آزمایش است. «نَبَلُّوكمُ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ» (انبیا/ ۳۵) عربی‌هایی که می‌خوانم قرآن است. هر شری وسیله آزمایش است. هر خیری وسیله آزمایش است. مسائل سیاسی، مسائل اقتصادی، مسائل مالی، شهوت، غضب، پست، رأی آوردن آزمایش است، رأی نیاوردن هم آزمایش است. هر دو آزمایش است. یکی از دلایل غیبت، آزمایش است.

۲ - غیبت زمینه توبه است. یک مادر یا پدر که از خانه قهر می‌کند، بیرون می‌رود. تا بچه‌اش متنبه شود، وسیله توبه است. حضرت یونس وقتی از مردم قهر کرد مردم فهمیدند که قهر خدا می‌آید. پیغمبر خدا ول کرد و رفت حتماً یک بلایی می‌آید. فوری توبه کردند، ولی قرآن می‌گوید: «إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ» (یونس / ۹۸) قوم یونس وقتی توبه کردند، خداوند عذاب را بر آنها برگرداند. یونس هم خاطرش جمع بود که اگر بیرون برود عذاب نازل می‌شود. وقتی بیرون رفت، عذاب نازل نشد، خدا گفت: تو بیرون رفتی. ولی اینها توبه کردند. غیبت وسیله توبه هم می‌شود.

۴ - غیبت امام، به خاطر ظلم و ستم مردم:

۳ - محرومیت و گوشمالی است. قرآن می‌گوید: «فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا» (نساء / ۱۶۰) یهودی‌ها ظلم کردند، اینها را از غذاها محروم کردیم. گفتیم: تا فلان مدت این مواد را نباید مصرف کنید. یعنی محرومیت از غذا، بد کردید آقا غذایش را عوض کنید. محرومیت از غذا، محرومیت از شهر نشینی، خدا به بنی اسرائیل گفت: توبه کنید تا در شهر بروید. گفتند: در شهر قوم جبار هستند. اینها را اول نابود کن. شهر امن شود، بعد ما می‌آییم. خداوند می‌فرماید: اینها چهل سال، اینها در بیابان آواره بودند. به خاطر اینکه حاضر نبودند، خودشان یک جنب و جوشی داشته باشند.

زمینه توبه، «فَلَوْ لَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيْمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (یونس / ۹۸)

۳ - غیبت وسیله آماده شدن است. پیغمبر ما وقتی مدینه آمد، مستقیم مدینه نرفت. در قبا چند روز ایستاد. تا زمینه آماده شود. غیبت وسیله آماده شدن هم هست. قرآن یک آیه دارد می‌فرماید: «كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ» (بقره / ۸۹) یک عده می‌گفتند که: چون یهودی‌ها شنیده بودند، اوس و خزرج هم شنیده بودند. که پیغمبر آخر الزمان در مدینه حکومت خواهد کرد. و اینها دائم می‌گویند، پیغمبر بیاید به تو می‌گویم. پیغمبر بیاید به تو می‌گویم. «وَكَاؤُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ» یعنی قبل از آنکه پیغمبر بیاید، هی می‌گفتند: فتح و پیروزی می‌شود. صبر کن پیغمبر بیاید چنین و چنان می‌شود. اما «فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا» ممکن است ما هم اینطور باشیم. خدایا دست ما را بگیر. هی بگوییم: «یا حجة بن الحسن عجل علی ظهورک»، «اللهم عجل لولیک الفرج».

ما داریم در مملکت آدم‌هایی که هر وقت حرف می‌زنند، می‌گویند: «اللهم عجل لولیک الفرج» می‌گوییم: خوب مگر نمی‌خواهی امام زمان بیاید؟ الآن که نایب امام زمان است، گوش به حرفش بده. ما زمان شاه

آدم‌هایی داشتیم، دو لیتر گریه می‌کردند، که چرا امام زمان نیست. امام خمینی که آمد، اینها فرار کردند. اسمشان را هم نمی‌گویم چه هستند. امام زمانی بودند، ولی با انقلاب راه نیامدند، جز افراد نادری. بسیاری از آنها با امام، البته بعد از آنکه یهودی‌ها اعلام هم بستگی کردند، آنها آمدند گفتند: ما هم هستیم. بعد از یهودی‌ها آمدند. چند تا از آنها هم منزل ما آمدند، گفتند: آقا ما اعلام همبستگی کردیم با انقلاب، گفتیم: بیخشید می‌دانید کی؟ بعد از یهودی‌ها. یعنی منتظر هستند ای امام زمان بیا، «أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ»، «أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الْكُذِبِ وَ الْإِفْتِرَاءِ» خدایا امام زمان را بفرست طاغوت‌ها را بشکند. می‌گویم: بیا! مگر نگفتی امام زمان طاغوت‌ها را بشکند. امام خمینی یک طاغوت را شکست. تو چقدر کمکش کردی؟ آخر کسی که می‌گوید: ای خدا! اقیانوس اطلس را بفرست، غسل جمعه کنم. خوف، این حوض آب یک عمر است یک غسل جمعه در حوض خانه‌تان نکردی، حالا می‌خواهی اقیانوس اطلس، دروغ می‌گویی. خیلی‌ها دروغ می‌گویند. شاید ما هم همان باشیم.

یک جایی، شکست و سقوطی وارد شد، یک مرد حکیم گفت، دلیل این سقوط چه بود؟ هرکس گفت جایزه بگیرد. یک نفر برنده شد. گفت: دلیل سقوط را من می‌گویم. گفت: چه؟ گفت: دلیل سقوط این است که «کَذَبَ» دروغ گفت. «کذبا» دو تایی دروغ گفتند، «کذبوا» با هم دروغ گفتند. «کذبت» آن خانم هم دروغ گفت. «کذبتا» دو تا خانم، «کذبنا» با هم دروغ گفتند. «کذبت» تو هم دروغ گفتی. «کذبتما» با هم دروغ گفتید. «کذبتم» همه با هم دروغ گفتید. تا آخرش می‌گوید: «کذبتُ» من هم دروغ گفتم؟ بعد می‌گوید: «کذبنا» همه با هم دروغ گفتیم.

۵ - پرداخت خمس و سهم امام علیه السلام:

دو لیتر گریه می‌کند که چرا فدک را غصب کردند. حق زهرا را ندادند. اما خودش هم سهم امام را نمی‌دهد. چه فرقی می‌کند او حق مادر را نداد، تو هم حق بچه‌اش را نمی‌دهی. تو چرا برای او گریه می‌کنی؟ با هم گریه کنید. کسی که می‌گوید: امام زمان، باید سهم امام بدهد. نمی‌شود بگویی: ای امام زمان، بین، من مخلص تو هستم. اما نه سهم امام را می‌دهم، نه اسم بچه‌ام را مهدی می‌گذارم. نه به حرف جانشینت گوش می‌دهم. ولی «عجل لولیک الفرج» مردم باید امتحان شوند. دعا می‌کنم همه‌ی بیننده‌ها آمین بگویند. تو را به آبروی امام زمان، هرچه خراب کردیم، در هر امتحانی رفوزه شدیم، گذشته‌ی ما را ببخش. از الآن تا ابد در هر امتحانی ما را رو سفید بیرون بیاور. آدم نمی‌داند چه می‌شود. نمی‌داند که چه می‌شود.

من بارها در مورد خودم این را گفتم، که آقای قرائتی اگر تلفن کنند، الو شما از این شب جمعه بحث قطع شد، دیگر در تلویزیون نیستی. اگر من را از تلویزیون بیرون کنند، باز قرائتی قبل هستم یا نه عوض می‌شوم؟ ما داشتیم کسی که الآن فرار کرده خارج است. خودش را کاندید ریاست جمهوری کرد. برای اینکه رأی بیاورد دائم می‌گفت: ملت قهرمان ایران! تا دید رأی نیاورد، فرار کرد خارج رفت هنوز هم خارج است. می‌گفت: این توده ناآگاه! یعنی پیش از ظهر ملت قهرمان بودند، بعد از ظهر شدند توده ناآگاه!

امام سجاد می‌گوید: خدایا طوری نکن، «وَأَبْتَلِي بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي وَ أَفْتِنَ بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي» (بحارالانوار/ج ۹۱/ص ۲۳۰) طوری نکن که هرکس به من داد، بگویم خوب است. هرکس من را محروم کرد، بگویم: بد است. قرآن بخوانم. قرآن می‌گوید: بعضی‌ها می‌آمدند می‌گفتند: یا رسول الله! بیت المال معلوم نیست کجا رفت. بردند، خوردند، قرآن می‌گوید: می‌دانی چرا؟ «وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ» (توبه/۵۸) «یلمز» همان «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ» (همزه/۱) «یلمز» همان «لمزه» است. یعنی نیش زدن. «وَمِنْهُمْ» از مردم، «وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ»، «لمز» یعنی بعضی نیش می‌زنند، می‌گویند: معلوم نیست پیغمبر زکات را چه می‌کند؟ «فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا» (توبه/۵۸) اگر یک سکه کف مشتش بگذاری راضی است. اینکه می‌گوید: بردند، خوردند چون به او ندادند. اگر به او بدهند...

رفته هیئت غذا تمام شده، رییس هیئت می‌گوید که: غذا تمام شد. بله این عزاداری‌های ریاکار! اگر غذا خورده بود، مخلص بودند. به این ندادند می‌گوید: عزاداری‌ات ریاکاری است. این آقای خوبی است. می‌گوییم: چرا؟ می‌گوید: برای اینکه به کسی رأی داد که من هم به او رأی دادم. من دیگر پشت سر این آقا نیاز نمی‌خوانم. می‌گوییم: چه مشکلی دارد؟ گناه کبیره کرده؟ نه! این به کسی رأی داد که من موافق نبودم. مگر هرکس به منتخب تو رأی داد عادل است؟ هرکس به منتخب تو رأی نداد، فاسق است؟ نمی‌توانیم خودمان را خالی کنیم از هوس‌ها، تا بعد بینیم حق چیست، باطل چیست؟ بگذارید این جمله را هم بگویم.

خدا قسمت کند همه کاظمین بروند. یک دعا می‌کنم آمین بگویید. خدایا امنیت کامل را بر بلاد اسلامی حاکم بفرما. هر عیب و گناهی که داریم که باید سیلی بخوریم آن را ببخش. کاظمین بروید امام جواد و امام کاظم قبرهایشان کنار هم است. در یک ضریح است. بعد از زیارت امام جواد این دعا است. «الهی ارنا الحق حقا» خدایا یک انسانی باشم که حق را حق بینم. «والباطل باطلا» حق را حق بینم، و باطل را باطل بینم. «و لا تجعل علی متشابهاً» در شناخت حق و باطل گیج نشوم. «فاتبع هوای» دنبال نفسم بروم، گرفتار شوم. آدم حق را حق بیند. باطل، استاد ما می‌گفت: حضرت امام درس اخلاق که در فیضیه می‌گفت آخر درس

اخلاقش یا در درس اخلاقش اینطور می گفت. می گفت: «اللهم ارنی الاشیاء کما هی» یعنی خدایا واقع بین باشم.

پس امام زمان غایب است برای اینکه مردم آماده شوند. آماده نیستند.

۶ - تأثیر غیبت، در تقویت ایمان:

مسأله چهارم، کیفیت ایمان، حدیث داریم «أَعْجَبُ النَّاسِ إِيْمَانًا وَ أَعْظَمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَنُوا بِسَوَادٍ عَلَيَّ بِيَاضٍ» (فقیه/ ج ۴/ ص ۳۶۵) «اللهُ أَكْبَرُ!» می گوید: غیبت تو را بینیم که یک عده ای «أَعْجَبُ النَّاسِ إِيْمَانًا» یعنی بالاترین درجه ایمان «وَ أَعْظَمُهُمْ يَقِينًا» بالاترین درجه ایمان و بالاترین درجه یقین برای کسانی است که پیغمبر را ندیدند، امام زمان و حجتشان را هم ندیدند، از روی کاغذ «آمنوا» ایمان آوردند، «بِسَوَادٍ عَلَيَّ بِيَاضٍ» همانطور که قلمی روی کاغذ شده، روی نوشته ایمان می آورند. مثل خود ما «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ!» می گوئیم: خدایا ما رسول را ندیدیم. اهل بیتش را هم ندیدیم. اما با استدلال با همین محتوایی که هست ایمان آوردیم. این خیلی ارزش دارد با کسانی که پیغمبر را دیدند، و ایمان نیاوردند. پس این را هم بنویسم.

سوریه رفته بودیم. گفتند: آقای قرائتی، قبر حضرت رقیه همین جا است؟ قبر حضرت زینب همین جا است؟ آخر شنیدیم مصر هم هست. شنیدیم مدینه هم هست. یک چیزی گفتم خیلی قشنگ، برای شما هم بگویم. گفتم: اگر کسی طرف را ببیند و او را ببوسد، این علاقه را بیشتر نشان می دهد یا اگر عکسش را ببیند و عکس را ببوسد. آن کسی که عکس را می بوسد ایمانش بیشتر است یا کسی که خودش را می بوسد؟ شما بگویید. با هم بگویید، عکسش را ببوسد. گفتم: اتفاقاً اگر حضرت زینب همین جا باشد شما زیارت کنی، خیلی مهم نیست. مهم این است که چون اینجا، اسم حضرت زینب هست، عکس زینب باشد، همین احترام به عکس زینب، همین احترام به گنبد و بارگاه همین ارزش دارد. خیلی مهم است.

اگر شما از من احترام بگیری، خیلی مهم نیست. اما اگر از بچه ی من احترام بگیری، اگر از نوه من احترام بگیری، این پیدا است که خیلی ایمان بالا است.

«يَأْتِي زَمَانٌ» حدیث داریم زمانی می آید که «يَذُوبُ فِيهِ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ» (مجموعه ورام/ ج ۲/ ص ۳۲) قلب مؤمن آب می شود. «کما يذوب الملح في الماء» همینطور که نمک در آب حل می شود زمانی می آید که قلب مؤمن ذوب می شود. چرا؟ «قيل بم ذلك» چرا قلب مؤمن آب می شود؟ پیغمبر فرمود: به خاطر اینکه «یری من المنکر» از بس منکرات می بیند، خلاف می بیند، «لا يستطيع تغیره» استطاعت ندارد عوض کند. منکر می بیند،

همه خلاف خلاف خلاف، کاری نمی‌تواند بکند. آنوقت این زمان‌هایی که انسان دلش آب می‌شود، اینها خیلی ارزش دارند. حدیث داریم «شِيعَتُنَا أَصْبَرُ» (کافی/ج ۲/ص ۹۳) شیعیان ما صبرشان از ما بیشتر است. چون ما صبر می‌کنیم به چیزی که می‌دانیم، اما شیعیان ما صبر می‌کنند به چیزی که نمی‌دانند. غیبت باعث می‌شود که کیفیت ایمان بالا می‌رود. خودش را ببینیم ایمان بیاوریم مهم نیست. به سایه‌اش، به پیامش، این مهم است.

۵ - توسعه امید و طرح و تلاش، وقتی غایب است، انسان در فکر این است که امیدوار باشد به آینده‌ی جهان، چون خدا بارها در قرآن گفته «وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف/ ۱۲۸) این پیام سیاسی دارد. یعنی اسرائیل، آمریکا، بی‌خود تلاش نکنید. کره‌ی زمین برای مسلمان‌هاست. کره‌ی زمین برای مسلمان‌هاست. «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه/ ۳۳) اسلام کره‌ی زمین را خواهد گرفت. بعد می‌گوید: «وَلَوْ كَرِهَ» گرچه کفار بسوزند. قرآن آیه دارد می‌گوید: بسوز، «مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ» (آل عمران/ ۱۱۹) از غصه بمیر. اسلام دنیا را خواهد گرفت.

یک چیزی برای شما بگویم. در غدیر خم جمعیت چقدر بودند؟ هم زیر صد هزار نفر گفتند، هم بالای صد هزار نفر. ما می‌آییم می‌گوییم: میانگین صد هزار تا، بعد از پیغمبر، از این صد هزار نفر ۴ نفر آمدند طرفدار علی بن ابی طالب شدند. باقی‌ها همه رفتند طرفدار غیر علی شدند. یعنی به ازای یک نفر طرفدار علی، ۲۵۰ هزار نفر جای دیگر رفتند. اما الآن یکی که شیعه هست، سه تا غیر شیعه هست. یعنی آمار ما از یک دویست و پنجاه هزارم، به یک سوم رسیدیم. یکوقت در ترکیه ۵ تا جلسه روضه هم نبود. الآن حدود ۲۰۰ جلسه عزاداری در روز عاشورا هست. اندونزی هم همینطور است. اسلام می‌گوید: امام زمان می‌آید، و کره‌ی زمین در اختیارش قرار می‌گیرد. وقتی یک چنین امیدی هست، این خود امید جوهر مهمی است. چرا امام زمان غایب است؟ چون او را می‌کشند. خوب او را بکشند. مگر می‌ترسد؟ نه. امام از کشتن خودش نمی‌ترسد مثل امام حسین، اینها از... امام‌ها که جای خود دارد. قرآن می‌گوید: بعضی از مؤمنین از کشتن نمی‌ترسند. «يَقْتُلُونَ أَوْ يَمُوتُونَ» چه او را بکشند، چه او بکشد، او ما را بکشد شهید هستیم. قرآن می‌گوید: «إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ» (آل عمران/ ۱۷۳) دشمن زیاد است حمله نکنید. ایمانش اضافه می‌شود.

یک کتابی هست به نام «شهداء الفضيله» علمایی که در طول تاریخ شهید شدند، اشرفی‌ها، صدوقی‌ها، دستغیب‌ها، طباطبایی‌ها، امام جمعه قبل از شهید مدنی، همه اینها شهید شدند. در عملیات والفجر پنج، ظاهراً دویست تا روحانی شهید شد. کتابی هست حدود تقریباً هفتصد، هشتصد صفحه، به نام شهداء الفضيله که وقتی من دیدم و خواندم، برای استاد حکیمی است، وقتی مطهری را ترور می‌کنند، امام زمان بیاید خوب ظرفیت نیست. کل دنیا بسیج می‌شود برای قتلش. باید یک زمانی باشد که مردم ظرفیت قبول را داشته باشند.

خود امام خمینی وقتی قیام کرد، آن روزی که قیام کرد سال ۴۲ ظرفیتی نبود که حکومت اسلامی تشکیل بدهد. همین غیبتش مردم را آماده کرد. نامه‌ها، اعلامیه‌ها، قیام‌ها، نمایندگان، آخر در این ۱۳، ۱۴ سالی که در ترکیه و عراق تبعید شد خیلی کار بود. و این کارها باعث شد که ظرفیت پیدا شد که مردم پذیرفتند. گاهی وقت‌ها حضور باشد نمی‌پذیرند. در غیبت یک آماده باش است که بپذیرند.

۷ - غیبت امام، زمینه‌ی ظهور و تولد خوبان و بدان:

دلیل دیگر که چرا امام زمان غایب است؟ اگر الآن امام زمان ظهور کند دست به کار شود، خیلی از مؤمنین که در صلب کافران هستند اینها هم از بین می‌روند. یک حدیثی دیشب دیدم. به امام صادق گفتند چرا امیرالمؤمنین راحت مخالفینش را نمی‌کشت در مرحله اول؟ یک شمشیر دست می‌گرفت همه را قلع و قمع می‌کرد. «قال لایه فی کتاب الله» در قرآن یک آیه بود دست علی را بست. گفتند: چیست؟ گفت: این است. «لَوْ تَزِيلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (فتح / ۲۵) این آیه مربوط به این است که اگر به شما می‌گفتیم در مکه قیام کنید شما دست به شمشیر می‌زدید، مشرکین را بکشید، و حال آنکه در صلب مشرکین در نسل مشرکین آدم‌های مؤمنی هم بودند. گاهی وقت‌ها می‌گوییم: خانه را خراب کن. می‌گوییم: بابا یک لوستر در آن است. قالی ابریشمی در آن است. دو تا چیز نو بگویم، به نظرم تا حالا نشنیدید.

سندی بن شاهک را می‌شناختید؟ شکنجه‌گر ویژه امام کاظم در زندان. او کسی بود که امام کاظم را در زندان شکنجه می‌کرد. پسرش خوب درآمد. باور می‌کنید؟ حجاج را شما می‌شناسید؟ چقدر سید را کشت؟ چقدر از اهل... پسر حجاج خوب درآمد. یزید را که می‌شناسی؟ پسر یزید خوب درآمد. به امام صادق گفتند: حضرت امیر شمشیر دست می‌گرفت یک نصفه روز تمام می‌کرد. فرمود: بله، ولی در صلب آن‌ها آدم‌هایی هستند. امام زمان اگر زود دست به کار شود، همه حق و ناحق، قرآن می‌گوید: اگر به شما می‌گفتند حمله کنید در مکه، آدم‌هایی را ناخواسته می‌کشید، بعد این بارش گردن شما را می‌گرفت. برای شما نقل می‌کرد که مسلمان‌ها...

خوب آخرین حرف این است که باید غیبت شود تا هرکسی دو سه روز حکومت را به دست بگیرد، بعد معلوم می‌شود دیگران نمی‌توانند. افرادی بودند که می‌گفتند: دیگران بردند، خوردند، به خاطر وابستگی‌ها، به خاطر علایق، می‌گفتند: بردند، خوردند. خودشان هم که پست گرفتند، به نور چشمی‌ها دادند. همه قدرت‌ها را به افرادی می‌دادند که دوستش دارند. مگر تو نمی‌گفتی چرا فلانی پسرش رییس شد، برادرش رییس شد، نمی‌دانم، خواهرش، زنش، خوب تو هم هرکس را دوست داری، پستش می‌دهی. حدیث داریم باید یک

زمانی همه‌ی اینهایی که شعار می‌دهند، همه معلوم شود آخرش چیست؟ تا وقتی امام زمان بیاید بگویند: این راست می‌گوید. هرکس هر ادعایی دارد باید ادعایش لو برود. مسلمان تنوری‌اش روشن شود. آمد به امام گفت: قیام کن. جمعیت داری، یار داری، گفت: تو هم از آن یارها هستی، گفت: بله. گفت: خوب در تنور برو. گفت: آقا ما غلطی نکردیم. ما یک عرضی کردیم. گفت: خوب پس بنشین. نشست، یک نفر آمد گفت: آقا سلام علیکم، فرمود: برو در تنور. گفت: چشم آقا. در تنور آتش رفت. گفت: آقا چند تا مسلمان تنوری داریم؟ گفت: آقا تنوری هیچی! خداحافظ. باید امام زمان غایب شود، تا تنوری‌هایش معلوم شود.

خدایا ما را از آن مسلمان‌های تنوری قرار بده. وفادار قرار بده. غیر از اینکه وفادار هستیم، فداکار قرار بده. از الآن تا ابد قلبش را از ما راضی بفرما. فکر و زبان و عمل ما را طوری قرار بده که هر وقت حضرت مهدی به ما توجه می‌کند، یا لذت ببرد، یا لااقل غمناک نشود. این هم افتخاری است که انسان سرباز گمنام امام زمان باشد، مقام بالایی است که باید اهلش او را حفظ کنند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته